

تاثیر برگزیت

بر خانواده‌های کارگری

براساس آخرین گزارش مرکز ملی آمار انگلستان از وضعیت معیشتی کارگران بریتانیا طی سال ۲۰۱۸ میلادی، درآمد این بخش از جامعه انگلستان نسبت به سال گذشته ۱/۶درصد کاهش یافته و نابرابری‌های اجتماعی در این کشور افزایش یافته است.

در این گزارش آمده است، یک‌پنجم جمعیت بریتانیا براساس نوع قراردادها و بیمه‌های پرداخت در بخش کارگری جامعه قرار می‌گیرند و این گروه با در نظر گرفتن تغییرات اقتصادی طی دوره مذاکرات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا درآمدشان ۱/۶درصد کاهش یافته به این معنی که نسبت به سال قبل فقیرتر شده‌اند.

نکته قابل توجه در این گزارش مربوط به افزایش درآمد ثروتمندان این کشور دقیقاً در همان دوره زمانی است، به‌صورتی که آمارها تایید می‌کند، درآمد بخش ثروتمند جامعه انگلستان معادل ۴/۷درصد افزایش داشته است.

طبق همین آمارها که از سوی دولت بریتانیا منتشر شده، درآمد خانواده‌های متوسط کارگری که در واقع گردانندگان اصلی بازار کار انگلستان هستند طی چهارسال اخیر زیر سایه سیاست‌گذاری‌های برگزیت کاهش چشمگیری داشته در حالی که همین دوره، ثروتمندان با رشد درآمدهایی قابل توجه روبه‌رو شده‌اند. دولت همچنین رشد درآمد متوسط خانوار را در سال گذشته حدود ۲۸۴۰۰ پوند اعلام کرده که طی چهار سال گذشته ثابت بوده و در نهایت باعث شده بخش کارگری با مشکلات عمده‌ای در تامین معیشت خود به‌دلیل تورم ایجادشده در دوره اجرای برگزیت مواجه باشند. این در حالی است که کارشناسان تاکید می‌کنند در دوره چهار ساله یادشده ثابت ماندن سطح درآمد خانوارهای انگلستان به‌خصوص در جامعه کارگری موجب شده در بخش رفاهی، این جمعیت نابرابری‌های بالایی نسبت به بخش ثروتمند انگلستان تجربه کند و شکاف طبقاتی بالایی در تقسیم‌بندی سیاسی و اقتصادی این کشور ایجاد شده است.

این گروه تاکید می‌کنند، کاهش ارزش پوند انگلستان به‌دلیل اجرایی شدن قانون خروج بریتانیا از اتحادیه اقتصادی اروپا، باعث شد دولت برای جبران معیشت کارگران دست به سیاست افزایش حقوق کارگران زده و به‌جای حفظ موقعیت‌های شغلی و افزایش رفاه در این بخش از جامعه، پس از گذشت نزدیک به چهار سال اکنون شاهد فقیرتر شدن جامعه کارگری نسبت به قبل از رای‌گیری در باره خروج بریتانیا از اروپا باشیم. به گفته کارشناسان بازار کار در انگلستان، سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت «ترا می» از ابتدای سال ۲۰۱۵ میلادی که قرار است تا سال ۲۰۲۰ یعنی اجرایی شدن قانون خروج بریتانیا از اتحادیه اقتصادی اروپا ادامه یابد می‌تواند میلیون‌ها خانواده انگلیسی را با مشکلات جدی معیشتی روبه‌رو کند، چون قرار است طی این دوره مزایای کارگری نسبت به تورم افزایش نیابد. در گزارش منتشر شده از سوی مخالفان دولت، در حالی که حذف پرداخت مزایای کارگری در دوره یاد شده قطع می‌شود خانواده‌های کارگری به‌خصوص آن گروه که دارای فرزند هستند در سال جاری یعنی ۲۰۱۹ میلادی بدترین شرایط اقتصادی را دقیقاً مانند آنچه در سال ۲۰۱۲ میلادی یعنی بحران اقتصادی بین‌المللی تجربه کردند را دوباره تجربه خواهند کرد. کارشناسان بر این باورند که مبنای اصلی تعیین فقر در میان افراد جامعه ضریب جینی جامعه است که از بین عدد صفر تا صد محاسبه می‌شود که در سال گذشته این شاخص تغییر محسوسی داشته و از ۳۱/۴ به ۳۵/۳ در انگلستان افزایش یافته و بیانگر این نکته است که فقر در این کشور گسترش داشته و بخش کارگری جامعه انگلستان فاصله طبقاتی بالاتری نسبت به ثروتمندان دارد.

نقد جدی به برنامه رفاهی استرالیا

کمیسرِیِ عالی حقوق بشر درباره قانون «رفاهی مادران» استرالیا اعلام کرده‌است: «اجرای چنین قانونی از سوی دولت استرالیا می‌تواند مشکلاتی برای جامعه چندفرهنگی استرالیا داشته باشد، چون اجباری بودنش با تعهدات حقوق بشر و ضدتبعیض استرالیا مطابقت ندارد و باعث انتقادهای گسترده می‌شود. براساس قانون جدید استرالیا هر خانواده‌ای که دارای کودک شش ماهه تا پنج ساله است اجباراً مشمول دریافت کمک‌هزینه‌های دولتی شده که تقریباً ۷۵۰۰۰ خانواده خواهند بود، در حالی که تقریباً ۸۰درصد از این جمعیت مادران مجرد هستند که اصولاً نیازی به کمک‌های دولتی ندارند.»

۱۴ | کتینه نو



تجربه دیگر کشورها



عدم تخصیص منابع مالی کافی به صندوق های رفاه کارگری، همچنین بی‌توجهی به اولویت‌های مورد نیاز جامعه هدف، باعث شده تقریباً پشوتانه مردمی در بخش اجرای سیاست‌های دولتی برای طرح رفرم و اصلاحات معیشتی و رفاه اجتماعی آفریقای جنوبی ایجاد نشود.

چرا با وجود برنامه‌های مدون، نتایجی که اتحادیه‌های کارگری انتظار داشتند حاصل نشد؟

چالش‌های اصلاحات رفاهی در آفریقای جنوبی

سیاست‌ها می‌تواند اثرگذاری بالایی در درصد موفقیت آن‌ها داشته باشد. به گفته فعالان عرصه کارگری، وقتی صحبت از دستاوردهای سیستم رفاهی این کشور می‌کنیم قطعاً مشکلاتی را می‌بینیم که تنها ناشی از فساد اداری، همچنین اجرای غیراصولی سیاست‌های تدوین‌شده از سوی مسئولان بوده، به‌عنوان مثال، سیاست‌های بهداشتی و خدمات رفاهی به‌هیچ‌عنوان متناسب با جامعه هدف نبوده و تقریباً معطوف به کلان‌شهرها بوده و شاهد مثال آن هم، درگیری کارگران معادن طی چندسال اخیر با کارفرمایان و مأموران دولتی است. در این زمینه عدم تخصیص منابع مالی کافی به صندوق های رفاه کارگری، همچنین بی‌توجهی به اولویت‌های مورد نیاز جامعه هدف، باعث شده تقریباً پشوتانه مردمی در بخش اجرای سیاست‌های دولتی برای طرح رفرم و اصلاحات معیشتی و رفاه اجتماعی آفریقای جنوبی ایجاد نشود. به گفته اغلب کارشناسان، فساد اداری شکل گرفته در تخصیص منابع و هزینه کرد آن‌ها نیز نکته‌ای قابل توجه بوده تا جایی که بسیاری از مجریان قوانین تعیین شده با در نظر گرفتن اینکه نظارت دقیقی بر عملکردشان نیست سوءاستفاده‌هایی به نفع خود داشتند که جامعه ذهنیت منفی نسبت به سیاست‌های کلی حاکمیت پیدا کرده و همکاری‌های مدنی در این زمینه به حداقل رسیده است. در پایان کارشناسان و فعالان بخش کارگری تأکید می‌کنند، اگرچه طی سال‌های اخیر دولت آفریقای جنوبی فعالیت‌هایی برای افزایش رفاه انجام داده و در برخی موارد دستاوردهایی هم داشته، اما به‌دلیل موارد یادشده و ایجاد ذهنیت منفی مردم علیه برنامه‌های رفاهی دولت هم‌اکنون مشارکت اجتماعی به حداقل خود رسیده و دور از واقعیت نیست اگر بگوییم برنامه اصلاحات معیشتی و رفاهی این کشور با چالش جدی روبه‌رو خواهد شد.

منبع: theconversation.com

باشیم که برخی از این سیاست‌ها باار مالی قابل توجهی به‌خزانه دولت تحمیل کرده‌اند، آن هم در شریاطی که این کشور در کنار اصلاحات رفاه اجتماعی به‌دنبال دستیابی به جایگاه اقتصادی بالاتر در اقتصاد بین‌المللی است. موارد مطرح‌شده در اصلاحات رفاه اجتماعی از جمله درمان، تحصیل و کمک‌هزینه‌های معیشتی که قرار بود بیشتر زندگی طبقه ضعیف جامعه را تحت‌تاثیر قرار دهد، همگی هزینه‌هایی به خزانه دولت تحمیل می‌کردند، بنابراین دولتی‌ها علاوه بر اینکه در تلاش بودند رنگ‌وبوی تازه‌ای به این گونه برنامه‌ها بدهند همواره نگران افزایش بدهی‌های خود به نهادهای مجری نیز بودند. این نقطه‌ضعف طی یک دهه گذشته همواره عامل افزایش اعتراضات صنفی و کارگری بوده و در نهایت جنبش‌های کارگری و اعتراضاتی را به همراه داشته که بیانگر عدم موفقیت سیاست‌های دولتی در این بخش بوده است.

اصلی‌ترین اعتراض جامعه کارگری، به افزایش مالیات‌ها بود تا جایی که این گروه تأکید داشتند اصلاحات و گسترش رفاه اجتماعی هیچ تأثیری در معیشت آن‌ها نداشته و در نهایت عاملی شده برای فقیرتر شدن و ایجاد فاصله طبقاتی بیشتر میان لایه‌های مختلف جامعه که می‌تواند تمام تلاش‌های دولتی را تحت‌تاثیر خود قرار دهد.

■ اجرای اشتباه سیاست‌های تعیین‌شده

امایه گفته کارشناسان، آخرین چالشی که دولت آفریقای جنوبی برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده رفاه اجتماعی پیش‌رو دارد مربوط به فساد اداری، همچنین اجرای اشتباه و غیراصولی سیاست‌های مطرح‌شده است. در این زمینه اغلب تحلیلگران اجتماعی و البته فعالان اتحادیه‌های کارگری بر این باورند که اگرچه چالش، ویژگی هرگونه برنامه توسعه‌ای و رفاهی است، اما نباید فراموش کنیم شیوه‌های اجرایی شدن هریک از این

«هرچند هنوز شواهدی دال بر بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی یا حتی پیشرفت‌هایی برای جامعه فقیر و کارگری این کشور با در نظر گرفتن سیاست‌های حمایت اجتماعی دولت دیده‌ نمی‌شود، اما نباید فراموش کنیم همین موارد، عاملی شده برای تشکیل کمپین‌های مختلف حامیان دولتی برای تبلیغات انتخابات که می‌تواند مشکلاتی را به جامعه تحمیل کند.» این فعالان با اشاره به کمپین‌های تبلیغاتی سال ۲۰۱۴ میلادی می‌گویند: «طی آن دوره از انتخابات تبلیغات گسترده در زمینه رفرم‌های سیستم رفاهی جامعه باعث شد تا حزب حاکم از مردم رأی بگیرد، اما در نهایت دیدیم حداقل تا سال گذشته اتفاق خاصی در ایجاد سیستم رفاهی یکپارچه در این جامعه نیفتاد و احتمالاً هم نخواهد افتاد.»

■ نقص در سیستم

فعالان اتحادیه‌های کارگری تأکید دارند، موازی‌کاری‌های انجام‌شده در سیاست‌های حمایتی و معیشتی دولت عاملی بود که بعضاً نتایج هزینه‌هایی را بدون دلیل به جامعه تحمیل کرد، بلکه دستیابی به اهداف تعیین‌شده نیز با چالش‌هایی مواجه شد که مثال بارز آن، سیستم خدمات درمانی عمومی و خدمات حفاظت از کودکان است. به گفته فعالان اتحادیه کارگری و کارشناسان سلامت جامعه، این مشکل در نهایت می‌تواند تهدید قابل توجهی برای بخش کارگری جامعه شناخته شود به این دلیل که معیارها و شاخص‌های دقیقی برای دستیابی به هدف تعیین‌شده از سوی مسئولان ارائه نشده که نقطه‌ضعفی قابل توجه و غیرقابل انکار است.

■ سایه سنگین بدهی دولت بر سیاست‌های رفاهی

وقتی صحبت از رفرم سیاست‌های رفاه اجتماعی و معیشتی در آفریقای جنوبی می‌کنیم، بدنیست به این نکته توجه داشته



• شیدا رمزی •

• مترجم •

بیست سال پیش، آفریقای جنوبی، یک استراتژی جسورانه برای اصلاح نظام رفاه خود آغاز کرد. این بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای دستیابی جامعه آفریقای جنوبی به صلح و عدالت اجتماعی و غلبه بر شکاف‌های اجتماعی گذشته بود. از این‌رو دولت تلاش کرد با استفاده از دستاوردهای سیاسی و قانونی تغییرات و اصلاحات منطقی و مناسبی در جامعه ایجاد کند که رویکردی مبتنی بر حقوق و رفاه اجتماعی داشت، به این ترتیب زمینه یک سیستم رفاهی یکپارچه ملی در این کشور ایجاد شد تا جایی که آفریقای جنوبی به‌عنوان رهبر کشورهای قاره آفریقا در تغییرات اجتماعی شناخته شد. این در حالی است که برخی از کارشناسان اجتماعی بر این باورند که پیاده‌سازی سیاست‌های رفاه اجتماعی به‌صورت یکپارچه صورت‌نگرفته و به‌رغم تمام تبلیغات رسانه‌ای باعث بروز شکاف بیشتر در جامعه این کشور شده است.

در این زمینه دولتی‌ها اعلام می‌کنند با استفاده از کمک‌های بین‌المللی توانسته‌اند بخش قابل توجهی از مشکلات معیشتی، همچنین فقر جامعه را از بین ببرند در حالی که کارشناسان بازار کار بر این باورند که بدون تغییر در اشتغال و افزایش فرصت‌های شغلی این اتفاق تقریباً غیر ممکن و جای تأمل دارد. از سوی دیگر، کارشناسان تأکید می‌کنند به‌رغم دستاوردهایی که سیستم حمایت اجتماعی آفریقای جنوبی داشته بحث‌های قابل توجهی در مورد اینکه آیا راه درست از سوی مقامات دولتی طی شده یا خیر، مطرح شده، به این دلیل که میزان وابستگی به کمک‌های دولتی، همچنین کاهش مشارکت مردمی طی دوره یادشده کاملاً محسوس است. برخی فعالان اتحادیه‌های کارگری در این‌باره می‌گویند:

مطالعات جدید بیانگر این نکته است که دولت آمریکا کارمندان بسیاری را با نرخ هرساعت کمتر از ۱۵ دلار استخدام کرده است که این سیاست عاملی در سوءاستفاده میلیون دلاری از دستمزد کارمندان فدرال شده است.

این مطالعه که توسط موسسه «گود جابز» انجام شده، با تجزیه و تحلیل قراردادهای، پرداختی‌ها، فیش‌های بیمه‌ای و در نهایت میزان مالیات پرداختی برای کارمندان فدرال دولتی مشخص می‌کند دولت فدرال بیش از ۱/۶ تریلیون دلار براساس قراردادهای کارگری (به‌ازای هرساعت کار ۱۵ دلار) هزینه کرده که شامل ۱۲/۵ میلیون نفر پرسنل است، اما از میان این افراد تقریباً ۴/۵ میلیون نفر در واقع کمتر از ۱۵ دلار در ساعت حقوق دریافت کرده‌اند.

نکته قابل توجهی که باید در این گزارش به آن توجه شود مربوط به عناوین قراردادی، همچنین نوع مشاغلی است که از طریق آن‌ها دولت فدرال میلیون‌ها دلار به جیب زده است. به‌عنوان

مثال، اغلب قراردادهای مربوط به مشاغلی با عناوین نگهبان، کارگر کافه‌تریا، کارمندان مرکز تلفن، دستیار اداری و نهایتاً مراقبت‌های پزشکی توسط کارفرمایان طرف قرارداد دولت فدرال به کار گرفته شده‌اند.

این اتفاق در حالی صورت گرفته که در بسیاری از ایالت‌ها کمپین‌های مختلفی برای تعیین حداقل دستمزد ۱۵ دلار در ساعت برای حفظ معیشت کارگران دولتی به‌خصوصی تعیین شده است. به‌عنوان مثال در سیاتل، لوکلند و کالیفرنیا این کمپین‌ها بسیار موفق عمل کرده‌اند. «جو ژیوار ژیس»، مدیر اجرایی موسسه «گود جابز» در این زمینه می‌گوید: «ما انتظار داریم مقامات دولتی به‌عنوان مدیران ارشد و تعیین‌کنندگان استانداردهای کارگری زندگی و معیشت، با اتخاذ سیاست‌های منطقی سطح زندگی این گروه از جامعه را ارتقا بدهند نه اینکه تصمیم‌گیری‌های اشتباه خود باعث فقیرتر شدن کارگران شوند.» ژیوار ژیس در ادامه می‌افزاید: «سال ۲۰۱۲ دولت

دولت ترامپ در مظان بهره‌کشی از نیروی کار

به نفع اقتصاد روستایی، همچنین تقویت مشاغل برای خانواده‌های آمریکایی است به این دلیل که کارفرمایان تشویق به استخدام بیشتر خواهند شد که اثرگذاری مثبتی در اقتصاد ایالات متحده آمریکا خواهد داشت.» به گفته این مقام اتحادیه کارگری، این در حالی است که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که دولت ترامپ باید نسبت به بازنگری در نحوه قراردادهای فدرال و استخدام پرسنل توسط کارفرمایان طرف قرارداد با دولت فدرال اقدام کرده و مانع از سوءاستفاده آن‌ها باشد. به‌عنوان مثال، ژوئیه گذشته مرکز خدمات «مدیکر» و «مدیکید» با استفاده از سیاست‌های ترامپ اعلام کردند، مجوزهای مربوط به مراقبت‌های بهداشتی خانگی را که توسط پیمانکاران فدرال انجام می‌شود لغو خواهند کرد تا به این ترتیب صدها هزار دلار حقوق کمتری به کارگران خود بدهند با اینکه آن‌ها را از کار بیکار کنند.

منبع: گاردین